

اصلاحات اقتصادی از منظر امیرالمومنین (ع)



برخی از مهمترین برنامه های علی (ع) در زمینه اصلاحات اقتصادی به شرح ذیل است :

1- فقرزدایی و عدالت اجتماعی :

اسلام دین آزادی است. آزاد کردن انسان از همه بندها و تنها بسته کمند حق ساختنش، چگونه میتوان سخن از آزادی انسان گفت در حالیکه اسیر فقر است. علی (ع) آنگاه که بر مصدر حکومت قرار گرفت مبارزه ای بنیادی علیه فقر سازمان داد و علیرغم همه مشکلات و موانع، موفق گردید در حوزه حکومتی خود تا اندازه ای به آرمان فقرزدایی و عدالت اجتماعی دست یابد، چنانچه خود می فرماید :

کسی در کوفه نیست که در رفاه بسر نبرد.

حتی پایین ترین افراد نان گندم می خوردند و سر پناه دارند و از آب فرات می آشامند. (بحارالانوار- ج 40- ص 327)

مبارزه امام علیه فقر را میتوان از سه زاویه مورد بحث قرار داد :

الف- همدردی مسئولین با فقرا :

از یک طرف امام از خود و کارگزاران خود شروع کرده ، به مواسات و همدردی با فقرا می پردازند و معتقدند که :

خدای تعالی بر پیشوایان حق واجب فرموده است که خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا رنج فقیر تنگدست را پریشان و نگران نسازد همچنین ثروتمندان بوسیله ثروتشان سرکشی و طغیان ننمایند.

ب- برخورد با انگلهای اقتصادی :

از طرف دیگر از جایگاه حکومتی مبارزه ای سخت علیه زالو صفتانی که با مکیدن خون مردم متورم شده اند آغاز می نماید.

امام صادق (ع) در حدیث زیبایی در مورد کاهش فاصله طبقاتی و تعیین حد فقر چنین می فرماید :

خداوند در اموال ثروتمندان نگرست، آنگاه به فقرا نظر کرد، پس در اموال ثروتمندان آنقدر برای مستمندان قرار داد که زندگی ایشان به رفاه باشد و اگر به آن حد نرسد باید افزایش دهند تا جایی که بخورد و بیاشامد و بیوشد و ازدواج کند و صدقه دهد و به حج برود.

از این کلام روشن است که تا کسی به این حد از امنیت اقتصادی و رفاه نرسد، فقیر محسوب می شود و باید تلاش کرد تا با زدن ریشه های اجتماعی، زمینه شکوفایی عدالت اجتماعی فراهم گردد و انسان فقیر و نیازمند، آسوده از دغدغه گذران معاش در بستر آسایش مادی به سوی کمال حقیقی سیر کند.

برخی از اساسی ترین اقدامات حضرت در جهت ریشه کن کردن فساد اقتصادی به شرح ذیل می باشد :

1- بازگرداندن ثروتهای بادآورده و نامشروع

به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را در هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آنکس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است. (نهج البلاغه- خ 15)

2- جلوگیری از سوء استفاده اطرافیان مسئولین

ای مالک! همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچکدام از ایشان زمین واگذار مکن و بگونه ای با ایشان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند. (نهج البلاغه- نامه 53)

3- مبارزه با احتکار و گرانفروشی

ای مالک! این را هم بدان که در میان بازرگانان ، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیلند و احتکار کننده اند که تنها با زورگویی به سود خود می اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می خواهند می فروشند که این سودجویی و گرانفروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا (ص) از آن جلوگیری می کرد. باید خرید و فروش به سادگی و با موازین عدالت باشد، با نرخهایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرسد. کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران باشد اما در کیفر او اسراف مکن.

ج- توجه به محرومان در تعیین بودجه های اقتصادی :

الله، الله في الطبقة السفلي من الذين لا حيلة لهم

خدای را، خدای را ،در خصوص طبقه پایین جامعه، آن کسانی که دردشان را هیچ چاره ای نیست.

امیر مؤمنان علی (ع) جهت رفع مشکلات محرومان جامعه به مالک اشتر چنین توصیه می نمایند :

- از بیت المال سهمی برای ایشان قرار بده... هرگز مباد، که سرمستی ریاست، تو را از آنان بازدارد و گمان کنی به کارهای مهمتری اشتغال داری؟

- بویژه امور کسانی از این فشر را بیشتر پرس و جو ن که چندان کوچک و بی شمارند که به چشم نمی آیند و نمی توانند به تو دست یابند.

- برخی از افراد مورد اعتماد، خداترس و متواضع را آزاد بگذار تا گزارش امور ایشان را نزد تو بیاورند و سپس در موردشان بگونه ای اقدام کن که در روز دیدار با خدایت

عذرت پذیرفته باشد.

3- مساوات :

امام در همان سخنرانی نخست خود- بر خلاف خلفای قبلی که تقسیم بیت المال را بر اساس سوابق اسلامی و ترکیب قیامی قرار داده بودند- با اشاره به آنکه او تنها به کتاب خدا و سیره رسول خدا عمل خواهد کرد، به سیاست مالی خود اشاره کرده، فضل مهاجر و انصار را بر دیگران، برتری معنوی خواند که نزد خدا محفوظ بوده و پاداش آن به نزد خداست، اما در تقسیم بیت المال کسی بر دیگری برتری ندارد. امروز نیز یکی از مشکلات مهم اقتصادی ما، رعایت اصل مهم عدالت و مساوات است. برخورداری از حقوق و مزایای یکسان برای افراد هم رتبه، برخورداری از شرایط یکسان جهت فعالیتهای اقتصادی و گرفتن امکانات عمومی برای همه افراد جامعه و دهها مورد دیگر می تواند از مصادیق عدالت و مساوات اقتصادی باشد.

4- ریشه یابی علل تنگناهای اقتصادی :

کارشناسان اقتصادی معمولاً هنگام بررسی عوامل رکود اقتصادی فقط به مسائل مادی توجه دارند، اما در یک نظام الهی به مسائل معنوی و غیر مادی نیز جهت ایجاد رونق و شکوفایی اقتصاد توجه می شود.

((آری هنگامی که بندگان خدا کارنامه ای زشت ارائه دهند خداوند به کاهش میوه ها و دریغ داشتن برکتها و فرو بستن درهای خزان خیرات، مبتلاشان می کند تا شاید که توبه کاری توبه کند. آری، چنین است که خداوند استغفار را سببی ساخته است برای روزی رسانی و گسترش رحمت.))

5- امنیت اقتصادی :

در برنامه ریزیهای اقتصادی، امنیت عامل مهمی است که بدون آن توسعه اقتصادی امکان پذیر نخواهد بود. مهمترین عامل در ایجاد امنیت اقتصادی، شیوه برخورد دولت با تجار، کسبه، تولید کنندگان و کارگران و برنامه ریزیهای دولتی در جهت امنیت شغلی آنان است.

((هرگز مبدا کسی را از مایحتاجش باز دارید و از رسیدن به خواسته اش بی بهره نمایید، هرگز مبدا به مال احدی از مردم- از مسلمانان نمازگزار تا اقلیتهای در گرو پیمان (متعهد به قوانین کشور)- دست بیازید، مگر آنکه اسب و جنگ افزاری بیاید که در تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شده.))

6- اصلاح نظام مالیاتی :

امام در نامه 53 نهج البلاغه به نکات مهمی جهت اصلاح نظام مالیاتی اشاره می فرماید:

الف- مالیات را بگونه ای تنظیم کن که به صلاح مالیات دهندگان باشد.

ب- تا نظام مالیاتی و امور مالیات دهندگان اصلاح نشود، امور دیگر اقبال جامعه اصلاح نخواهد شد، زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند.

ج- باید هدف آبادانی کشور باشد نه جمع آوری مالیات، چرا که مالیات جز با آبادانی فراهم نمی گردد.

د- اگر مردم از سنگینی مالیات، خشکسالی و ... شکایت کردند، به ایشان تخفیف بده تا امورشان سامان گیرد.

ه- هرگز تخفیف دادن در مالیات تو را نگران نسازد، زیرا این سبب آبادانی شهرها، گسترش عدالت میان مردم و تعریف و ستایش مردم از تو می گردد... و اگر در آینده کاری پیش آید و بر عهده مرم بگذاری با شادمانی خواهند پذیرفت.

7- اهمیت به تجارت و صنعت

((ازمن نسبت به تجار و صاحبان صنعت قبول وصیت کن و خوبی به آنان را به زبردستان خویش توصیه کن، از اینها نباید غافل باشی چرا که تجار و صنعتگران از سبب منفعت و وسیله امن و آسایش مردمند.)) نهج البلاغه نامه 53

8- نظارت بر بازار و رسیدگی به امور آن

الف- اقدامات آموزشی :

(یا معشر التجار ! الفقه ثم المتجر)

ای جماعت بازرگانان ! ابتدا احکام و قوانین اسلامی تجارت را بیاموزید و سپس اقدام به تجارت نمایید.

آموزش تجارت بدون ربا، پرهیز از گرانفروشی، آموزش اخلاق تجاری (آسان گرفتن معاملات، پرهیز از قسم خوردن، دروغ گفتن و ...) ، رعایت عدل و انصاف و پرهیز از کم فروشی، برخی از اقدامات آموزشی حضرت به تجار و کسبه بازار بود.

ب- اقدامات عملی :

1- مشخص کردن گروهی از افراد معتمد جهت نظارت و بررسی مشکلات بازار

2- مجازات گران فروشان ، معتکران و کم فروشان با توجه به گزارش ناظران بازار

3- مجازات بسیار شدید ناظران بازار در صورت تخلف و دریافت رشوه

9- اهمیت به بخش کشاورزی :

امیر مؤمنان نه تنها خود به کار کشاورزی اشتغال داشت بلکه همواره به کارگزاران خویش رعایت حال کشاورزان را توصیه می فرمود و با توجه به شرایط آب و هوایی ، از مسئولان مالیاتی می خواست تا در شرایط بحرانی در میزان مالیات به ایشان تخفیف دهند.

10- نظام توانمند بیمه و بازنشستگی :

امیر مؤمنان هنگامی که پیرمرد مسیحی نابینایی را مشاهده نمودند که مشغول گدایی است، فرمودند :

این مرد را در جوانی به کار وادار کرده آید ، اکنون که پیر و ناتوان گشته است، از معاش محرومش ساخته آید؟ هزینه زندگی او را از بیت المال بپردازید.